

Civilizational Necessities in the Islamic Government from the Viewpoint of Fadaian Islam

Received: 18/04/2022 Accepted: 17/08/2022

Ahmad Asgari*, Abdollah Hemmati Golyan**
(92-110)

Fadaian Islam, as a popular-religious movement in the early 1940s, entered the political and social activities of Iran in order to defend Islam and implement Islamic rules and took measures in order to establish an Islamic society and government in Iran. The present article tries to answer the following question: What civilizational necessities for the ideal Islamic government did Fadaian Islam consider in their theoretical and practical principles? The authors extracted and analyzed the civilizational necessities regarded by Fadaian and related issues to them by using content analysis method of the book *Rahnameh Haghayegh va Parvandehaye Bazjouei Fadaian Islam* (published in the 4 volume collection of *Fadaian Islam dar Ayeneh Asnad*). The findings show that seeking Islam, unity of Islamic societies, supporting domestic production, creating jobs, seeking justice, fighting the manifestations of corruption and colonialism, propagating religious and national culture, and education are the most important necessities of establishing an Islamic civilization from the viewpoint of Fadaian Islam.

Keywords: Fadaian Islam, Navvab Safavi, Civilization, Islam, Islamic Government.

* MA in History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran- ahmadasgar64@yahoo.com.

** Associate Professor of History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University, Mashhad, Iran- hematir@um.ac.ir.



بایسته‌های تمدنی در حکومت اسلامی از دیدگاه فداییان اسلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

احمد عسگری *

عبدالله همتی گلپان **

(۹۳-۱۱۰)

چکیده

فداییان اسلام، به عنوان جنبشی مردمی-مذهبی در اوایل دهه بیست، به منظور دفاع از اسلام و اجرای احکام اسلامی، وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایران شدند و اقداماتی به منظور ساخت جامعه و حکومت اسلامی انجام دادند. نوشتار پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش است که فداییان اسلام در مبانی نظری و عملی چه بایسته‌های تمدنی را برای حکومت اسلامی آرمانی‌شان لحاظ داشته‌اند؟ نگارندگان با روش تحلیل محتوا، و بررسی کتاب راهنمای حقایق و پرونده‌های بازجویی فداییان اسلام (چاپ‌شده در مجموعه چهارجلدی فداییان اسلام در آئینه اسناد) بایسته‌های تمدنی مورد توجه فداییان و گزاره‌های مرتبط با این بایسته‌ها را استخراج کرده و به تحلیل آنها پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که اسلام‌خواهی، اتحاد جوامع اسلامی، حمایت از تولید داخلی، اشتغال‌زایی، عدالت‌خواهی، مبارزه با مظاهر فساد و استعمار، تبلیغ فرهنگ دینی و ملی و علم‌آموزی بایسته‌های برجسته تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه فداییان اسلام است.

واژگان کلیدی: فداییان اسلام، نواب صفوی، تمدن، اسلام، حکومت اسلامی.

* کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران - ahmadasgar

.64@yahoo.com

** دانشیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران - hematir@um.ac.ir

مقدمه

جامعه ایران با گذر از دوره بیست‌ساله دیکتاتوری رضاخانی، شاهد شکل‌گیری جریان‌های گوناگون فکری و سیاسی بود؛ جریان‌هایی که تاریخ نگرششان ریشه در نگاه کارکردگرایانه به دین داشت (ر.ک. فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۷۵). ایران سال‌های نخستین رویارویی با جامعه مدرن غرب را گذرانده و در نتیجه تقابل با این تمدن مدرن، به دو رویکرد عمده و متضاد هم‌گرایش یافته بود: الف) رویکردی که دین را پاسخ‌گوی جامعه کنونی نمی‌داند و آن را از دایره علم و سیاست جدا می‌پندارد؛ ب) رویکردی که تنها دین و قانون اسلام را نجات‌دهنده بحران اجتماعی و سیاسی ایران می‌داند. مبانی فکری رویکرد اول را روشن‌فکرانی چون کسروی و حکمی‌زاده در مجلات و آثارشان مطرح می‌کردند و روحانیان نظریه‌پردازان رویکرد دوم بودند. در این میان، جریان فکری و سیاسی فداییان اسلام، برخاسته از جامعه روحانیان، نه نماینده آنها، در تقابل رویکرد مذهبی با جامعه روشن‌فکری اوایل دهه بیست شکل گرفت. در نتیجه همین تقابل فکری با جامعه روشن‌فکری آن عصر، کتاب رهنمای حقایق را تألیف کردند. البته جامعه روحانیان پیش از این کتاب، کتاب‌هایی از قبیل تنبیه الامة و تنزیه المله و کشف الاستار و کشف الاسرار را نیز تألیف کرده بودند، و چه بسا این کتاب از همین آثار تأثیر پذیرفته باشد.

بررسی اندیشه و مبانی فکری فداییان اسلام و رهبر این گروه، شهید نواب صفوی، از آن جهت اهمیت دارد که این جریان فکری و عمل‌گرا الگوی بسیاری از روحانیان مبارزی بود که با همراهی امام خمینی (ره) حکومت پهلوی را ساقط و جمهوری اسلامی را برپا کردند (واعظ طبسی، ۱۳۹۴: ۱۱؛ بهبودی، ۱۳۹۱: ۵۸؛ محلاتی، ۱۳۷۶: ۲۳). آثار و اسناد درخور توجهی از فداییان اسلام تحت عنوان اعلامیه، مقاله در مجله خواندنی‌ها و همچنین خاطرات، برگه‌های بازجویی و... به‌جا مانده است. با این حال، کتاب رهنمای حقایق، مهم‌ترین منبعی است که در باب شناخت ابعاد فکری و سیاسی این گروه توسط سران فداییان اسلام در سال ۱۳۲۹ شمسی به چاپ رسیده است. وجه اهمیت این کتاب در مقایسه با اسنادی از قبیل بازجویی، صوت سخنرانی و... این است که فداییان، این کتاب را در دوره تقابل فکری با دو جریان سلطنت استبدادی و دولت ملی‌گرای مصدق به روایت

رهبر گروه، نواب صفوی، تدوین کردند. براین اساس، کتاب رهنمای حقایق بهترین منبع برای بیان کیفیت تحقق حکومت اسلامی در نظام فکری فداییان اسلام به‌شمار می‌آید، و در پژوهش حاضر محور بررسی برای شناخت بایسته‌های فرهنگی و تمدنی اسلام، از دیدگاه فداییان اسلام قرار گرفته است.

بسیاری از نویسندگان و تاریخ‌پژوهان به فداییان اسلام به‌عنوان جریانی دینی توجه کرده و کتاب‌ها و مقالات متعددی در این باره نوشته‌اند. اگرچه بیشتر این آثار به تاریخ و عملکرد سیاسی این گروه پرداخته‌اند، گاهی نیز مبانی فکری و اندیشه سیاسی این گروه بررسی شده است:

روح‌الله حسینیان فصل پایانی کتاب نقش فداییان اسلام در تاریخ معاصر ایران را به مبانی فکری و اندیشه فداییان اسلام براساس کتاب رهنمای حقایق اختصاص داده است. نویسنده، توجهی به هدف تمدن‌سازی فداییان نداشته و مبانی فکری آنان نیز بدون چهارچوب مشخص و به‌صورت پراکنده در کتاب مطرح شده است. درمجموع نویسنده خلاصه و گزیده‌ای از کتاب رهنمای حقایق را در فصل پایانی کتاب ارائه کرده است (ر.ک. حسینیان، ۱۳۸۴: ۹۸-۱۰۷). داود فیرحی نیز در کتاب فقه و سیاست در ایران معاصر به بررسی زمینه‌های فکری و اجتماعی در شکل‌گیری اندیشه حکومت اسلامی فداییان اسلام پرداخته است (ر.ک. فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۷۴). رسول جعفریان در کتاب جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران اندیشه فداییان اسلام را براساس کتاب اعلامیه فداییان اسلام (رهنمای حقایق) بررسی کرده است (ر.ک. جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۳۱). انتشارات کلبه شروق نیز کتابی با عنوان مبانی، فقهی، فکری مبارزات فداییان اسلام در شهریور ۱۳۹۵ چاپ کرده است. این کتاب متن کامل سخنرانی حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی در شصت‌مین سال شهادت نواب صفوی و یارانش است.

افزون بر کتاب‌های گفته‌شده، مقالات متعددی نیز در بررسی اندیشه‌های فداییان اسلام تألیف شده است؛ مانند: «آسیب‌شناسی یک جنبش: تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام» (ر.ک. ملائی توانی، ۱۳۷۸: ۲۸۷-۳۱۸)؛ «فداییان اسلام؛ معرفی عناصر، اندیشه‌های سیاسی و عملکردها» (ر.ک. رزاق‌پور، ۱۳۸۱: ۸۷-۱۰۶). درباره کتاب

رهنمای حقایق نیز فریدالدین حداد عادل مقاله‌ای با عنوان «نواب نوشت: نقد و بررسی کتاب راهنمای حقایق به‌عنوان مانیفست گروه فداییان اسلام» تألیف کرده است (ر.ک. حداد عادل، ۱۳۸۳: ۲۷-۳۸). با این حال، تاکنون پژوهش مستقلی با موضوع بررسی و بیان بایسته‌های تمدنی در اندیشه فداییان اسلام انجام نشده است.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. فداییان اسلام

جمعیت فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی و با همراهی گروهی از جوانان مذهبی در اسفند ۱۳۲۴ پس از ترور نافرجام کسروی و به‌منظور مبارزه قاطع با ترویج بی‌دینی به‌صورت رسمی اعلام موجودیت کرد (خوش‌نیت، ۱۳۶۰: ۲۱؛ آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۲). فداییان اسلام پس از ترور کسروی، به حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت پرداخته و در ادامه برای حمایت از اجرای احکام اسلام، فعالیت‌های گوناگونی چون ممنوعیت ورود بی‌حجاب‌ها به بازار تهران، شرکت در کنفرانس اسلامی فلسطین و نیز تلاش برای ایجاد اتحاد در بین قومیت‌ها و مذاهب گوناگون در ایران و خارج از ایران انجام داد. سرانجام رهبر فداییان به همراه سه تن از یاران وفادارش در دی ۱۳۳۴ توسط رژیم پهلوی به شهادت رسید (حسینیان، ۱۳۸۴: ۹۵). به اعتقاد آبراهامیان، فداییان اسلام به‌طور جزئی متعهد به اسلام بنیادی بودند و برنامه آنها از کلیات شرعی فراتر می‌رفت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۳۳). این گروه در طول یک دهه فعالیت سیاسی و اجتماعی خود، به نسبت تعداد نیرو و جایگاه و مقبولیت اجتماعی، اقدامات تأثیرگذار و درخور توجهی از خود به‌جا گذاشتند؛ اگرچه سبب اصلی شهرت فداییان، شرکت در یک سلسله ترورهای سیاسی بود که خود به آن اقرار می‌کنند (عنایت، ۱۳۷۲: ۱۶۹)، اندیشه فکری آنها نیز با توجه به نگاه تمدن‌سازی که به دین داشتند، دارای اهمیت و درخور توجه است.

۲-۱. تمدن

تمدن، واژه‌ای است که نمی‌توان برای آن تعریف یک‌پارچه و جامعی ارائه داد؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد که هر فردی به فراخور حوزه تخصصی‌اش، برداشت متفاوتی از آن دارد.

سابقه این اختلاف نظر، به نخستین پژوهش‌های بشری مرتبط با این حوزه برمی‌گردد. هدف این نوشتار بررسی و بیان این اختلاف نظرها نیست. در مجموع تمدن را می‌توان نتیجه و محصول تداوم داشتن فرهنگی خاص در بستر زمان و همچنین پذیرش نظم اجتماعی توسط بشر دانست. پذیرش این تعریف ما را به این نتیجه نیز می‌تواند برساند که هر جامعه‌ای موصوفی برای تمدن نخواهد بود و هر قدرت سیاسی نیز لزوماً تمدن به‌شمار نمی‌آید و جامعه یا قدرتی را می‌توان تمدن دانست که دارای نظام‌های اجتماعی نیز باشد (بابایی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۹).

۲. بازسازی تمدن اسلامی

تاریخ اسلام و تأثیری که پیروان این دین در طول تاریخ بر علم و فرهنگ بشر داشته، بازگوکننده هویت تمدن‌ساز اسلام در تاریخ جامعه بشری بوده است؛ تمدنی که نقش تکمیل‌کننده و حلقه واسط میان موفقیت‌های علمی یونان و عصر جدید را ایفا کرد. رشد و بالندگی این تمدن پس از چند قرن تحت تأثیر عوامل گوناگون سیاسی و اجتماعی به شدت کاهش یافت؛ دوره‌ای که از آن به دوره رکود تمدن اسلامی تعبیر می‌شود. در چنین شرایطی، کشورهای غربی به‌وسیله آشنایی با فرهنگ و تمدن اسلامی، به بازسازی تمدن از دست‌رفته خود پرداختند و دوره رنسانس را پدید آوردند؛ دوره‌ای که تکامل و تداوم آن به انقلاب صنعتی انجامید. ظهور انقلاب صنعتی، کشورهای اروپایی را به توسعه‌طلبی و کسب منفعت اقتصادی سوق داد؛ سیاستی که مهم‌ترین نتیجه فرهنگی و اجتماعی آن در حوزه تقابل تاریخی جهان غرب با شرق، شکل‌گیری حس برتری‌جویی انسان غربی در مقایسه با دیگر جوامع به‌ویژه شرق و عقب‌ماندگی انسان شرقی بود. همین حس و باور غربی‌ها در آن دوره، به‌واسطه قدرت و تا حدودی سیاست آنها، بر جوامع شرقی به‌ویژه جوامع اسلامی تأثیر گذاشت؛ اما با توجه به ماهیت فرهنگی و ضداستعماری معارف اسلامی، رهبران جوامع اسلامی به فکر‌گذار از برخورد انفعالی در تقابل با هجمه گسترده تمدن غربی و بازسازی تمدن اسلامی افتادند. این اتفاق، مرحله جدیدی از سیر تکوین تمدن اسلامی در طول تاریخ به‌شمار می‌آید که رهبر انقلاب از آن به‌عنوان تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند (رهبر معظم انقلاب عجله، در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تمدن اسلامی در دوره بازسازی اگرچه یک پارچگی فرهنگی خود را از دست نداد، رهبران و اندیشه‌وران این تمدن، با توجه به اختلاف‌های فکری و درون‌دینی، در تبیین بایسته‌های یک‌سان برای تمدن نوین اسلامی به نظری هماهنگ و جامع دست نیافتند و هر گروه و حتی در مواردی هر شخص مؤلفه‌ها و بایسته‌هایی برای این تمدن بیان کرد. در مجموع وجه مشترک غالب این بایسته‌ها اسلام‌خواهی، اتحاد جوامع اسلامی صرف‌نظر از چگونگی این اتحاد، مبارزه با استعمار، استقلال و وابسته نبودن است.

۳. بایسته‌های تمدنی در حکومت اسلامی از دیدگاه فداییان اسلام

جمعیت فداییان اسلام نیز مانند بسیاری از گروه‌های فعال سیاسی برای تمدن نوین اسلامی بایسته‌هایی را در اندیشه خود پروراندند که در کتاب رهنمای حقایق بیان کرده‌اند. فداییان اسلام سعی در اجرایی کردن احکام اسلامی، مبارزه با مظاهر فساد و استقلال‌خواهی در ایران اسلامی داشتند و نوع نگاه آنها به اسلام، نگاهی فراگیر و جامع بود. فداییان، اسلام را آیینی می‌دانستند که برای همه ابعاد زندگی انسان برنامه دارد و می‌تواند تمدن بزرگ انسانی را ایجاد کند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۴). به همین منظور، بایسته‌هایی را در مبانی نظری و فکری خود، برای تحقق اهدافشان تعریف کرده بودند؛ بایسته‌هایی که می‌توان لابه‌لای اسناد، نوشته‌ها و سخنرانی‌های رهبران فداییان اسلام یافت.

۳-۱. اسلام‌خواهی و حفظ دیانت

اسلام‌خواهی هدف اصلی و منشأ پیدایش جمعیت فداییان اسلام به‌شمار می‌آید. از نگاه کتاب رهنمای حقایق نیز منشأ و مبنای همه مفاصد به‌طور اعم، تعطیلی همه احکام اسلامی و کم‌رنگ شدن حضور دین در عرصه حیات اجتماعی است (ملائی توانی، ۱۳۷۸: ۲۹۲). به تعبیری اسلام‌خواهی و امکان تشکیل حکومت اسلامی در جامعه کنونی، هدف اصلی تدوین کتاب بیان شده است (گل‌سرخ‌ی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۲۱۲۵). فداییان بر مبنای همین تفکر به ترور برخی افراد اقدام کردند. البته انجام ترور هدف اصلی برای فداییان به‌شمار نمی‌آمد، بلکه، با توجه به گفته نواب صفوی در پرونده بازجویی، ترور تنها وسیله‌ای برای رسیدن به هدف اصلی یعنی اجرای احکام اسلامی است (همان، ۲۱۸۱).

نواب هدف اصلی حکومت شاهنشاهی را محو نقش اجتماعی اسلام می‌داند و از آن به بزرگ‌ترین خیانت تعبیر می‌کند (همان: ۲۲۶۷). فداییان در حوزه عملیاتی نیز آماده ازجان‌گذشتن برای اجرایی کردن احکام اسلام در ایران بودند؛ چنان‌که خلیل طهماسبی در جریان بازجویی پس از قتل رزم‌آرا می‌گوید:

شما یقین بدانید اگر موبه‌مو مطابق قوانین اسلام در این مملکت حکم‌فرمانی نشود، هستند اشخاصی که پی به این آیه برده باشند: «پیکار کنید تا به‌جای ملکه‌های ردیلت، دامن خود را به خون آغشته کنند...» شما آقایان بدانید که این عمل را بنده کرده‌ام. همین عمل که رزم‌آرا را کشتم، جز برای خدا و تشخیص برای خدا، چیز دیگری نبوده... (همان، ج ۱: ص ۳۳۹، برگه بازجویی خلیل طهماسبی).

همه برنامه‌های عملیاتی فداییان اسلام، در حوزه اسلام‌خواهی جای می‌گیرد؛ اقداماتی از قبیل قتل هژیر (همان: ۹۸۷)؛ ممانعت از دفن جنازه رضاشاه در ایران (همان، ج ۳: ۲۱۴۰)؛ سفر به آذربایجان هنگام قیام پیشه‌وری (همان: ۲۱۴۱).

بسیاری از مورخان، هدف فداییان اسلام را تشکیل حکومت اسلامی می‌دانند. براساس همین پیش‌فرض، برخی نویسندگان، مبانی فکری و نظری جمعیت فداییان اسلام را نقد کرده‌اند. چنان‌که ملائی توانی در نقد نظام فکری فداییان می‌نویسد: «اندیشه آنان چنان‌که از منابع مکتوب برمی‌آید ظاهراً در پی تغییر ساختی بود؛ اما شعاع عمل آنان نوعی تغییر تعادلی و اصلاح‌گرایانه را تعقیب می‌کرد» (ملائی توانی، ۱۳۷۸: ۲۹۰). باید توجه کرد که حکومت اسلامی مد نظر فداییان اسلام، باتوجه‌به اسناد و گفته‌های نواب صفوی، به وجود آمدن نظام سیاسی جدید نیست، بلکه اجرایی کردن اسلام در جامعه توسط حکومت سلطنتی مشروطه است:

من و برادرانم هیچ‌گونه مخالفت با سلطنت مشروطه ایران نداشته‌ایم، بلکه گفته‌ایم و می‌گوییم که باید قانون اسلام را اجرا کنند تا قانونی و رسمی شوند یعنی با جنبه غیرقانونی بودن سلطنت مشروطه مخالفت کرده‌ایم نه با سلطنت (ر.ک. گل‌سرخی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳، ۲۲۶۹-۲۳۵۱).

به عبارتی فداییان طرح نظارت دینی بر حکومت را که در دوره مشروطه شکل گرفته بود، به سمت حضور دین در عرصه حکومت حرکت داد (عباسی، ۱۳۹۰: ص ۱۵۶). به تعبیر

فیرحی، فداییان نه بر ساختار حکومت و نهادهای دولت، که بر حاکمان معترض‌اند و بر آنان می‌تازند (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

شعار اسلام‌خواهی فداییان اسلام حتی در نمادهایی چون پرچم نیز نمود داشت: «پرچم فداییان اسلام یک‌دست سبز با سه هلال در میان آن که هر هلال منقش به «لا اله الا الله»، «محمد رسول الله» و «علی ولی الله» در بالای آن «هو العزیز» و در پایین آن «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه» نقش بسته بود» (گل سرخی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۱۵).

۳-۲. اتحاد جوامع اسلامی

اتحاد در اندیشه نواب، رهبر فداییان اسلام، شامل دو بخش، یعنی اتحاد درون‌مذهبی و ملی و اتحاد بین‌المللی جوامع اسلامی بود. اتحاد درون‌مذهبی و ملی برای اجرایی کردن احکام اسلامی در ایران و اتحاد جوامع اسلامی به‌منظور مبارزه با استکبار خارجی، آزادی کشور اشغال‌شده فلسطین و همچنین اجرا کردن احکام اجتماعی اسلام در همه جوامع اسلامی بود. فرازونشیب‌های سیاسی در ایران و ادامه فشارها بر فداییان اسلام و دستگیری نواب صفوی، سبب بدگمانی فداییان به شخصیت‌هایی چون آیت‌الله کاشانی شد. به همین دلیل اعضای گروه اعتراض‌هایی به آقای کاشانی کردند؛ اما نواب در نامه‌ای که در نیمه شهریور ۱۳۳۰ از زندان به اعضای فداییان نوشت، ضرورت حفظ اتحاد ملی را یادآور شد:

برادران دینی محترم و فرزندان اسلام و ایران باینکه این روزها زیاده از حد تحت فشارهای بیجا قرار داشته و عصبانی هستید، معذک اسائه ادب به ساحت حضرت آیت‌الله کاشانی خلاف تکلیف بوده و به ضرر اسلام و ایران می‌باشد. لازم است رعایت وظایف اخلاقی خود را جداً بنمائید و از آنچه موجب سوءاستفاده مغرضین شود اجتناب نمایید (همان، ج ۲: ۱۱۷۸).

انگیزه و هدف اتحاد جوامع اسلامی سبب شد نواب حتی در این باره با دربار و برخی مسئولان کشورهای دیگر ملاقاتی کند و پیشنهاد تشکیل اتحادیه اسلام را به آنها بدهد (همان، ۲۱۴۳: ۳)؛ موضوعی که ضرورت آن در کتاب رهنمای حقایق نیز آمده است (همان: ۲۳۴۰). نواب در دست‌نوشته‌ای، که در جریان بازجویی‌ها پس از پیمان بغداد به دست آمده است، اتحاد جوامع اسلامی را مصلحت مسلمانان و اقدامی برای استقرار صلح و امنیت ذکر می‌کند:

مصلحت مسلمانان دنیا پیوستن و تمایل به هیچ‌یک از دو بلوک نظامی جهان و پیمان دفاعی آنها نبوده، بلکه باید برای حفظ تعادل نیروهای دفاعی دنیا و استقرار صلح و امنیت، یک اتحادیه دفاعی و نظامی مستقلی تشکیل دهند. چندی است در پی آنم که سخن کمتر گفته و در انتظار آن روزی باشم که خدای عزیز وسیله عمل فراهم فرموده به آنچه معتقدم و مصلحت اسلام و مسلمانان جهان و بندگان خدا در آن می‌بینم، فقط عمل کنم. ولی گاهی گفتن عمل است و اگر مانعی برای رسیدن سخن حقی به گوش اجتماع نباشد، سکوت جایز نیست (همان: ۲۲۸۷).

۳-۳. مبارزه با مظاهر فساد: ریشه‌های مفاسد خانمان سوز ایران و جهان

از نظر فداییان، اجرای احکام اسلامی و تحقق عدالت اسلامی با وجود مظاهر فساد در جامعه امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل در کتاب رهنمای حقایق بخش درخور توجهی را به ریشه‌های فساد در جامعه اختصاص داده‌اند. در مجموع ریشه‌های فساد تحت چهارده عنوان معرفی شده‌اند: ۱. گسستن ریشه‌های نورانی ایمان به حقایق و انحراف بشر از مسیر دین فطری اسلام و تربیت سازمانی آفرینش؛ ۲. اجرا نشدن احکام اسلام و قانون مجازات؛ ۳. مفاسد فرهنگی و شهوت‌آموزی به نام علم؛ ۴. آتش شهوت؛ ۵. مشروبات الکلی مایه تفریح عمومی است؛ ۶. استعمال دودهای خطرناک تریاک و شیر و سیگار هم از آثار تمدن کنونی است؛ ۷. قماربازان هم در فقر مادی و اخلاقی جامعه متمدن نقش چشمگیری دارند؛ ۸. سینماها و نمایش‌خانه‌ها و رمان‌ها و تصانیف و اشعار موهوم و شهوت‌انگیز و جنایت‌آموز؛ ۹. نغمه‌های ناهنجار غیرمشروع؛ ۱۰. دروغ و چاپلوسی و مداحی‌های فضیلت‌گش به زبان مردم و رادیو و جراید، رذایل را می‌پرورد و فضایل جامعه را می‌کشد؛ ۱۱. نبودن کار و فقر عمومی و کثرت بیچارگان و سرگردانان و بی‌خانمانان و بی‌سرپرستی آنان، چرخ‌های زندگی اجتماعی را فلج می‌کند؛ ۱۲. میوه کوچک فحشا و سرگردانی زنان و امراض مقاربتی، قطع نسل و مرگ آنان در عنوان جوانی است؛ ۱۳. رشوه‌خواری عمومی

۱. اساس تمدن و زندگی اجتماعی و سعادت و آسایش بشر، بستگی به صفات پسندیده و فطریات پاک بشر دارد و اولین وظیفه فرهنگ، حفظ و پرورش صفات فطری پسندیده انسان در افراد انسان است (گل‌سرخی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۲۲۹۸).

ادارات و وزارت‌خانه‌ها و دیگران و رباخواری‌های عمومی سبب کینه‌اندوزی و فقر عمومی است؛ ۱۴. همه از هم پاشیده‌اند؛ همه به هم بی‌اعتماد و بدبین‌اند؛ دولت از ملت و ملت از دولت جدا هستند (ر.ک. گل‌سرخ‌ی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۲۲۹۴-۲۳۰۸).

توضیح تکمیلی درباره‌ی مظاهر فساد را می‌توان در سخنان شهید نواب صفوی یافت: سه موضوع حجاب، مسکرات و موسیقی از نظر تظاهرات اجتماعی اسلامی در درجه‌ی اول قرار دارد و اگر از میان برود تقریباً عموم تظاهرات علیه اسلام برچیده شده است و این حداقلی است که مسلمان می‌تواند به آن قناعت نموده، بگوید اینک حکومت اسلامی و موافق اسلام است و از نظر عمومی تکلیفی علیه او نداریم و پشتیبان حکومتش باشد (همان: ۲۰۲۳).

موضوع مسکرات و رواج مشروب‌فروشی‌ها در جامعه حساسیت بیشتر فداییان و مبارزان مسلمان را برانگیخته بود:

تعداد دکان‌های مشروب‌فروشی چندین برابر بیش از دکان‌های نانوايي و اغذیه‌فروشی است. تفویر این حکومت و این جامعه و این عقل و این تمدن... و تفویر بر آن امریکایی و اروپایی و غربی مترقی [به قول نادانان]؛ که استعمال شبانه‌روزی این سم خطرناک از آثار عقل و ترقی تمدن اوست (همان: ۲۳۰۲).

فداییان وجود مظاهر فساد در جامعه را محصول تمدن نوین غربی می‌دانستند و معتقد بودند که اهداف استعماری نیز در آن نهفته است (همان: ۲۳۵۰).

۳-۴. مبارزه با استعمار

از اقدامات مهم فداییان اسلام و شاید عامل اصلی شهرت این گروه، ترور برخی شخصیت‌های وابسته به استکبار جهانی باشد؛ اما انجام این اقدام براساس مبانی فکری فداییان، به این معنا نیست که فداییان مبارزه با استعمار را وابسته به شخص یا اشخاصی بدانند؛ همان‌گونه که نواب در جریان بازجویی پس از قتل رزم‌آرا می‌گوید: «من و عقل من بسیار از این بزرگ‌تر است که کشتن رزم‌آرا یا شکست دروغین انگلستان را که درحقیقت شکست نخورده است، منتسب به خود بدانم» (همان، ج ۲: ۱۴۶۹).

فداییان اسلام سه قدرت اصلی جهان در آن دوره را نماد استعمار، و مبارزه با هر سه کشور

را وظیفه هر مسلمان می‌دانستند. براساس اسناد موجود، آنها علاوه بر اقداماتی از قبیل حذف نیروهای وابسته به قدرت‌های جهانی، تلاش‌هایی مانند سخنرانی در جمع کارگران کارخانه‌ها در جهت آگاه‌سازی جامعه برای مقابله با استعمار نیز انجام داده‌اند (همان: ۱۵۰۲).

می‌توان گفت نخستین سنگ بنای تمدن‌سازی، تحقق اراده ملتی است که می‌خواهد هویتی مستقل پیدا کند و نمی‌خواهد ذیل تمدن غربی و اراده دیگران قرار گیرد (مهاجرانی، ۱۳۷۵: ۳). شاید به همین دلیل فداییان اسم خود را نه سازمان، انجمن و حزب، که متأثر از فرهنگ استعماری غرب بود، بلکه جمعیت برگزیدند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۶۰). به تعبیر فراتی «دولت اسلامی پیشنهادی نواب اساساً در پی استقلال و عدم وابستگی‌اش به بیگانه، عزت و اعتبار اسلامی و لزوم پیشرفت‌های علمی بود تا از مسیر آن، جلو مفاسدی از قبیل مشروبات الکلی، استعمال دود و تریاک و اختلاط زن و مرد و... که به دیده او آثار تمدن غرب است را منسد کند» (فراتی، ۱۳۸۶: ۲۰).

ولی فداییان نتوانستند طرح روشنی برای این منظور ارائه دهند. چنان‌که بیان شد، آنها حتی به دنبال تغییر حکومت موجود نیز نبودند و انتظار داشتند همه خواسته‌هایشان در همین حکومت موجود اجرا شود.

۳-۵. تبلیغ فرهنگ دینی و ملی (تحول فرهنگی و سیاسی از طریق رسانه)

مطابق کتاب رهنمای حقایق، تبلیغات رسانه‌ای جایگاه ویژه‌ای در نظام فکری فداییان اسلام داشته است. در این کتاب درباره نقش تبلیغات در نظام جهانی آمده است:

تبلیغات جنگی که اساس جنگ‌ها بر آن نهاده است همان نیرویی است که به وسیله آن می‌توان در روح و اراده و قلب اثری کرده، سپاه دشمن را ضعیف و سپاه دوست را قوی کرد. همیشه جنگجویان دنیا به این نیروی بزرگ بیش از هر چیز اهمیت داده، بلکه به چیز دیگری اهمیت نداده‌اند. رژه‌ها و سان‌های سپاه و سلاح هم وسیله همان تبلیغات جنگی و تضعیف اراده دشمن می‌باشد. حماسه‌ها و رجزخوانی‌ها و اسب‌تازی‌ها و ایلچی‌های قوی‌دل و گرزها و شمشیرها مظاهر تبلیغات جنگی دیروز بشر بود. بمب‌های اتم و طیاره‌ها و زیردریایی‌ها و سلاح‌های رنگ‌به‌رنگ و سربازهای زیر پرچم و به رخ هم کشیدن اینها در رادیوها و رجزخوانی‌های رادیویی کنونی هم

مظاهر امروز همان تبلیغات جنگی و اساس جنگ‌هاست (گل‌سرخ‌ی کاشانی، ۱۳۹۴: ج ۳، ۲۳۴۱-۲۳۴۲).

باتوجه‌به این نوشتار، این احتمال را نیز می‌توان متصور شد که ترورهای فداییان اسلام و نیز میتینگ‌ها، اعلامیه‌ها و مجموعه مقالات منتشرشده به‌ویژه در مجله خواندنی‌ها و حتی نشر کتاب رهنمای حقایق، بیش از هر چیزی جنبه تبلیغاتی داشته و برای اعمال نفوذ و ایجاد قدرت در جامعه انجام شده است. فداییان حتی استفاده از سینما و فیلم را سریع‌ترین راه برای تربیت فرزندان اسلام و ایران می‌دانند (همان: ۲۳۱۴). البته تبلیغات دینی و ملی محدود به رسانه‌ها نیست، بلکه ظاهر افراد و جامعه نیز باید اسلامی باشد. همین ظاهر اسلامی، تبلیغی برای دین است و به همین جهت فداییان اصرار داشتند کلاه‌ها باید عوض شود و به شکل قبل درآید (همان: ۲۳۲۶). گل‌سرخ‌ی نقل می‌کند که نواب در دیدار با دکتر مدرسی (طیب آیت‌الله بروجردی) خطاب به وی گفت: «پسرعمو، تو سیداولاد پیغمبر هستی. این لگن به سر تو، لگن استعمار است. این کلاه را بردار!» (عبائی و دیگران، ۱۳۶۶: ۴۷).

آرمانی که فداییان در پی آن بودند، بر مدار اصالت فرهنگی و اخلاقی بود و در بومی‌گرایی خود بیشتر بر شکل اسلامی آن تأکید داشتند (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۶۰)؛ هویتی که در طول حکومت رضاشاه پهلوی مورد حمله فرهنگی-رسانه‌ای و حتی حکومتی قرار گرفته بود و در طول آن سال‌ها خیلی از مظاهر آن، یا اجرا نمی‌شد یا تغییر یافته بود.

مشارکت مردمی در انجام کارها و نیز ثبت‌نام از حامیان، از دیگر اقدامات تبلیغی فداییان اسلام شمرده می‌شد. آنان با این کار، ضمن ارتقای جایگاه اجتماعی خود و جلب اعتماد مردم، به شناسایی نیروهای حامی خود نیز می‌پرداختند. علاوه بر این دو موضوع با این اقدام، هزینه انجام کارهای مد نظرشان را نیز از مردم می‌گرفتند؛ چنان‌که هزینه سفر نواب به فلسطین و سخنرانی ایشان در کنفرانس فلسطین از طریق مشارکت مردم و همکاری تجار و بازاری‌های مسجد محمودیه سرچشمه و برخی تجار دیگر حاصل شد (گل‌سرخ‌ی کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳: ۲۲۲۹).

۳-۶. حمایت از تولید داخلی

ظهور فداییان اسلام در دوره‌ای کوتاه پس از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم و هم‌زمانی حضور آنها در عرصه سیاست و اجتماع با ملی شدن صنعت نفت، سبب اعتماد فداییان و حتی جامعه ایران به تولید داخلی شده بود. مصدق با وجود همین اعتماد، پشتیبانی مردم را به خود جذب کرد. این روحیه تا آن اندازه در وجود مردم رخنه کرده بود که هیچ‌کس نمی‌توانست توانایی ایران در تولید را انکار کند. براین اساس، خلیل طهماسبی (قاتل رزم‌آرا) در بازجویی خود، رزم‌آرا را به دلیل آنکه توانایی تولید داخلی ایران را ناچیز شمرده بود نکوهش می‌کند:

چطور وجدان این شخص (رزم‌آرا) قبول کرد که یک ملت رشید، ملتی که پس از دوهزار سال در هوش و حافظه و علم به تاریخ خود افتخار می‌کند، این‌گونه درمقابل بیگانه بی‌ارزش شود. شما می‌گویید ایرانی لوله‌نگ نمی‌تواند بسازد. مهندس ارج که لاستیک اتومبیل درست می‌کرد و صددرصد با تصدیق مهندسین، بهتر از لاستیک خارجه بود، با وجود نداشتن وسایل، از این نوع اشخاص زیاد هستند. شما برای اینکه همیشه این ملت را در پستی و سستی در نزد بیگانه معرفی کنید و برای دور روز ریاست خود، این‌گونه توهین‌ها را به ملت ایران روا می‌دارید (همان، ج ۱: ۴۰۲-۴۰۳).

فداییان در کتاب رهنمای حقایق نیز دولت را موظف به وارد نکردن کالاهای غیرضروری، و همچنین مدیریت درباره کالاهای ضروری و تشویق مردم به استفاده از اجناس وطنی می‌کنند (همان، ج ۳: ۲۷-۲۳۲). بخش مهمی از حساسیت فداییان درباره وارد نکردن کالاهای غیرضروری، به دلیل وجود فقر گسترده در جامعه بود. آنها فقر را معلول ورود همین کالاها به ایران می‌دانستند (همان: ۲۳۵۰).

فداییان سعی در فرهنگ‌سازی برای شکل‌گیری تولید داخلی داشتند و معتقد بودند که رادیو، به عبارتی رسانه، باید به تشویق صنعتگران پردازد و مشوقی برای خلاقیت آنها در تولید کالاهای جدید باشد. البته فداییان به مسئله حمایت دولت از تولیدکنندگان داخلی نیز، توجه می‌کردند و این حمایت را شامل تأمین سرمایه و تهیه امکانات لازم برای صنعتگران می‌دانستند (همان: ۲۳۳۶).

۳-۷. اشتغال‌زایی

مطابق تحلیل اقتصادی فداییان اسلام، حمایت از تولید داخلی مقدمه‌ای برای رسیدن به اشتغال است؛ اشتغالی که ریشه فقر را در جامعه از بین می‌برد. این سیاست اقتصادی از همان ابتدا در تفکر مبارزاتی نواب وجود داشت و هنگامی که ایشان از نجف به منظور گفت‌وگو و مناظره با کسروی عازم تهران شد، در راه برای نخستین بار از این سیاست برای فقرزدایی نظام اجتماعی آبادان استفاده کرد. به روایت نواب، قریب ده‌هزار تومان از مردم برای فقرایی که پای منبر جمع می‌شدند، پول گرفته شد و به وسیله افراد جمعیت با رسیدگی به وضع هر فقیری به او می‌دادند، به شرط اینکه برای هر کدام شغل مناسبی تحت نظر همان پول‌دهنده فراهم شود که بعداً گدایی نکند (همان: ۲۳۹۷).

نواب یکی از راهکارهای اشتغال در جامعه را اصلاح نظام آموزشی می‌داند: برنامه درس را طوری منظم کنند که تا اختتام دوره دبیرستان اگر محصل به دانشگاه نرفت، یک فن مستقلاً را آموخته باشد و بتواند نتیجه تحصیلش را به معرض عمل گذاشته و احتیاجات خود و جامعه را در حدود استعداد و معلوماتش برآورد (همان: ۲۳۱۲).

فداییان جریان اشتغال‌زایی در جامعه را محدود به جوانان نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند هر کسی که توان انجام کوچک‌ترین کارها را دارد، باید از سوی نظام به شغل و کاری مشغول باشد: (همان: ۲۳۲۲).

دغدغه اشتغال، فداییان را به فکر آسیب‌شناسی انداخته بود. براساس کتاب رهنمای حقایق، تمرکزگرایی پایتخت عامل اصلی در آسیب‌رسانی به اشتغال و تجارت ایران بوده است: اجتماع تجار ولایات در مرکز، سبب خرابی وضع مرکز و فقر و بیکاری و خرابی ولایات است. تجار ولایات عموماً باید به شهرهای خود بازگشته و هریک در شهر خود مشغول تجارت گردند و در مرکز، حق تجارت نداشته باشند تا مگر فقر و فروپاشی ولایات و خرابی مرکز مرمت گردد؛ البته همه‌گونه وسایل تجارت و بازرگانی را باید در همه‌جای ایران به طور یک‌سان فراهم نموده و فرق و امتیازی میان بازرگانان ولایات و مرکز به هیچ وجه نشود (همان: ۲۳۳۰).

اما اشتغال زنان موضوعی است که بنیادگرایان دینی آن را به طور مطلق نمی‌توانند بپذیرند؛ کیفیت حضور زن در اجتماع و اشتغال زنان، از موضوع‌های چالشی و مورد اختلاف در میان دو جبهه روشن‌فکری و مذهبی بوده است. فداییان اسلام مانند خیلی از اسلام‌گرایان مهم‌ترین و بهترین کار برای زنان را مدیریت خانواده، به عنوان نیروی تولید و تربیت نسل بشر دانسته‌اند (همان: ۲۳۰۱). فداییان آموزش برای زنان را تا حد و اندازه‌ای که جامعه زن خود را مستحق می‌دید آزاد شمردند، اما تحصیل و کار زنان در اجتماع را منوط به جدایی آنان از محیط و فضای کاری مردانه دانسته‌اند. فداییان معتقدند «زن و مرد باید در اجتماع جدا باشند؛ چراکه اختلاط این دو گروه، سبب تخریب اعصاب اجتماعی و [توقف] کارهای ضروری اجتماع و حفظ عفت و نجابت و آزادی بدون حقه‌بازی و هوس‌رانی غیر مشروع با مردان می‌شود» (همان). به نظر فداییان، در نتیجه اختلاط اجتماعی زن و مرد به جهت غلبه فساد در جامعه، سایر قوای کارآمد مردان و زنان ضعیف می‌شود و نظام از انجام کارهای ضروری اجتماع بازمی‌ماند (همان: ۲۳۰۰). فداییان حتی آسیب‌های موجود در نظام اداری عصر خویش را نیز معلول همکاری زن و مرد در اجتماع می‌دانند (همان: ۲۳۰۰).

۳-۸. عدالت‌خواهی

شعار عدالت‌خواهی فداییان در سبک زندگی آنها نیز نمود داشته و این موضوعی است که نواب در نوشته‌هایش به آن تأکید کرده است. ایشان زندگی شخصی خویش و سایر اعضای فداییان اسلام را بسیار ساده و مانند طبقه چهار جامعه ایران دانسته که فرش منزلشان زیلو و حصیر است (همان: ۲۴۸۷). ساده‌زیستی و سبک زندگی فداییان اسلام، علاوه بر آنکه به سبک زندگی اسلامی آنها مربوط می‌شد سبب باورپذیری بهتر شعار عدالت‌خواهی آنها در بین مردم می‌شد.

عدالت‌خواهی فداییان بیشتر متوجه تقسیم نادرست درآمدهای دولتی بود؛ چنان‌که در کتاب رهنمای حقایق نحوه و عرف پرداخت درآمدها در ایران را به کلی نقد می‌کنند و پرداخت متفاوت دریافتی‌های کارمندان براساس رتبه شغلی را اندیشه‌ای نادرست و تشریفات اشتباه می‌دانند. به باور فداییان، تفاوت درآمدهای کارکنان دولت، زمینه ایجاد

فساد در نظام اداری و جامعه مذهبی ایران شده است و در نتیجه فاصله طبقاتی فقیر و غنی در جامعه زیادتر می‌شود (همان: ۲۳۲۷). فداییان ایجاد یک سیستم حساسی و نظارت بر اموال عمومی را برای از بین بردن نابرابری اجتماعی پیشنهاد می‌دهند:

باید دایره صالحی تحت سرپرستی مردان صالح لایق برای تعیین اموال و عواید و مخارج سالیانه ثروتمندان تشکیل شده و سرمایه‌ها و راه مقدار عواید و مخارج سالیانه آنها معین گردد تا کسانی که از راه غیرمشروع مالی اندوخته‌اند شناخته شوند و پس از شناسایی، به دادگستری ارجاعشان دهند تا برطبق شرع مقدس به حسابشان رسیدگی شود (همان: ۲۳۳۰).

۳-۹. علم‌آموزی

فداییان درباره علم‌آموزی، به علم‌آموزی همگانی تأکید، و در این باره اعتقاد داشتند: پیمودن دوره‌های ضروری کلاس‌های ابتدایی باید نسبت به همه افراد ملت مسلمان عمومی گردد. در این راه به زور سرنیزه نباید متوسل شد؛ زیرا به جز تفهیم و تفاهم، راهی برای ترقی بشر نبوده و در هر کاری توسل به زور نتیجه بالعکس می‌بخشد (همان: ۲۳۱۱).

تأسیس کتابخانه در تحقق علم‌آموزی همگانی و گسترش علم در جامعه از نظر فداییان اهمیت داشت. بر همین اساس، به تأسیس کتابخانه‌ای بزرگ و نیز احداث کتابخانه‌های عمومی در کشور تأکید داشتند (همان: ۲۳۱۶). علاوه بر امکانات سخت‌افزاری از قبیل تأسیس مدارس و کتابخانه، به استفاده از امکانات نرم‌افزاری مانند اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌ها نیز در جهت افزایش آگاهی عمومی توجه داشتند. آنان معتقد بودند که رسانه، یعنی رادیو، باید زمینه‌ای برای توسعه آموزش همگانی در جامعه باشد. آموزش همگانی، شامل تدریس دروس عمومی و ساده، آموزش علل و منشأ امراض عمومی و راه‌های پیشگیری و مقابله با آنهاست (همان: ۲۳۳۴). به عبارتی آگاهی‌بخشی در جامعه و ارتقای فرهنگ عمومی، مد نظر فداییان بوده است یعنی آنچه که بیشتر از آموزش علم بما هو علم از نظر فداییان اهمیت داشته تربیت اجتماعی در جامعه بوده است:

اولین وظیفه فرهنگ، حفظ پرورش صفات فطری پسندیده انسان در افراد انسان است؛ دومین وظیفه، آموختن دانش‌ها و علمی است که نیازها و احتیاجات اجتماعی و شخصی جامعه را برآورد. چنانچه تربیت اجتماعی اسلام در این مملکت اسلامی می‌بود و به جای یک حکومت فاسدی که منبع جنایات و بدبختی‌های امروز ایران است یک حکومت صالح اسلامی می‌بود و معارف اسلامی را در سراسر کشور بسط می‌داد، ایران به گفته برخی کوتاه‌نظران سوییپس آسیا خیر، بلکه با پایه‌های بلند معارف قرآن و اشعه نور و دانش محمد و آل محمد^ص، بهشت جهان می‌شد. اینجا سرزمین پیروان آل محمد است (همان: ۲۲۹۶).

فداییان درباره علم‌آموزی تخصصی به‌منظور دستیابی به علم و تکنولوژی نیز به داشته‌های درونی ایران تأکید داشتند و معتقد بودند کسب علم در دانشگاه نباید به علم‌آموزی از غرب وابسته باشد، بلکه باید از منابع فکری ایران استفاده شود و علوم را از ریشه‌های ساده آن بیاموزند (همان: ۲۳۱۳). به تعبیری اندیشه آنان در کسب علم، جدایی از وابستگی به مسیر طی شده بود.^۱ فیرحی در کتاب فقه و سیاست در ایران معاصر، دیدگاه‌های فداییان اسلام درباره آموزش عالی را بسیار نزدیک به سیاست اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و علوم در دوره جمهوری اسلامی می‌داند:

فداییان چنین می‌اندیشیدند که ریشه علوم غربی‌ها از علوم ملل مسلمان شرق و ایران نیرومند شده است. غرب همین علوم را از جهان اسلام گرفته و ریشه‌های ایمان و اعتقاد را از این علوم تخلیه کرده و دانشی یک‌بعدی و غیرمفید را به ملت‌های عقب‌مانده اسلام و ایران برگردانده است... راه حل فداییان، تربیت استادان مذهبی و متعهد، نوعی سیاست بومی و اسلامی کردن علوم در دانشگاه است (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۵۹-۱۶۰).

به نظر فداییان اسلام، اینکه آموزش در ایران بوعلی و زکریا و صنعتگر تربیت نمی‌کند،

۱. از مباحث اصلی نهادگرایی تاریخی، اصطلاح وابستگی به مسیر است. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۸۵ میلادی توسط دیوید برای توضیح این مسئله به کار برده شد که چرا کیبوردهای جدید کامپیوتر با وجود مزیت‌هایی که دارند، به سرعت جای‌گزین کیبوردهای قدیمی نمی‌شوند. این بحث به سرعت به علوم اجتماعی راه یافت (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

به دلیل حاکمیت رجال جنایت‌پیشه بر آن است. لذا باید کادر آموزش و پرورش و آموزش عالی، عالمان و متخصصان مسلمان باشند (حسینیان، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

نتیجه‌گیری

سال‌های ابتدایی دهه ۲۰، فداییان اسلام با ادعای اینکه دین و قانون اسلام، تنها راه نجات ایران از بحران‌های سیاسی و اجتماعی عصر کنونی است، وارد فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شدند. با توجه به آنکه شهرت فداییان بیشتر مدیون اقداماتی از قبیل ترور شخصیت‌های درجه یک حکومت و شعارهای تند اسلامی است، شناخت عامل انگیزشی برای انجام چنین اقداماتی درخور توجه است. رویکرد فکری جمعیت فداییان اسلام، ساخت آرمان‌شهر اسلامی و در نگاه وسیع‌تر بازساخت تمدن اسلامی در جهان بود؛ اندیشه‌ای که مباحث نظری آن را تحت عنوان رهنمای حقایق در سال ۱۳۲۹ شمسی به چاپ رساندند. فداییان در نظام فکری خود بایسته‌هایی را برای حکومت اسلامی تعریف کرده بودند و در سایه این بایسته‌های تمدنی امیدوار بودند که آرمان‌شهر اسلامی در عصر کنونی تحقق یابد؛ بایسته‌هایی از قبیل: اسلام‌خواهی، اتحاد جوامع اسلامی، مبارزه با مظاهر فساد، مبارزه با استعمار، تبلیغ فرهنگ دینی و ملی، حمایت از تولید داخلی، اشتغال‌زایی، عدالت‌خواهی و علم‌آموزی.

کتابنامه

- آبراهامیان، یراوند (۱۳۹۲). ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند و حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳). کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، مؤسسه خانه کتاب.
- حداد عادل، فریدالدین (۱۳۸۳). «نواب نوشت... نقد و بررسی کتاب راهنمای حقایق به‌عنوان مانیفیست گروه فداییان اسلام»، مجله زمانه، س ۳، ش ۲۴، ص ۲۷-۳۸.

حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۴). نقش فداییان اسلام در تاریخ معاصر ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

خوش‌نیت، سیدمجتبی (۱۳۶۰) نواب صفوی، اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت او، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، منشور برادری.

رزاق‌پور، صادق (۱۳۸۱). «فداییان اسلام: معرفی عناصر، اندیشه‌های سیاسی و عملکردها»، مجله رواق اندیشه، ش ۱۳، ص ۸۷-۱۰۶.

عبائی، محمد، و دیگران (۱۳۶۶). «خاطرات مشترک»، فصلنامه یاد، ش ۶، ص ۲۶-۶۰.

عباسی، ابراهیم (۱۳۹۰). «چیستی سنت فکری رادیکالیسم اسلامی در ایران: بررسی موردی جمعیت فداییان اسلام»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۷۴.

عنایت، حمید (۱۳۷۲). اندیشه سیاسی اسلام معاصر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی.

غلامی‌مقدم، فاطمه (۱۳۸۳). «اندیشه سیاسی فداییان اسلام»، مجله تاریخ‌پژوهی، ش ۱۸، ص ۱۰۴-۱۲۶.

فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۶). «حوزه علمیه قم: عبور از مشروطه و اقبال به حکومت اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۳۹ و ۴۰، ص ۷-۲۸.

فیرحی، داوود (۱۳۹۳). فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران، نشر نی.

گل‌سرخی کاشانی، محمدامین (۱۳۹۴). جمعیت فداییان اسلام در آئینه اسناد، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

محللاتی، فضل‌الله (۱۳۷۶). خاطرات و مبارزات، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ملائی توانی، علیرضا (زمستان ۱۳۷۸ و بهار ۱۳۷۹). «آسیب‌شناسی یک جنبش: تأملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام»، پژوهشنامه متین، ش ۵ و ۶، ص ۲۸۷-۳۱۸.

مهاجرانی، سیدعطاءالله (۱۳۷۵). «تمدن نوین اسلامی»، مجله راهبرد، ش ۱۲.

مهدی‌زاده، محمدرضا و محمد توکل (۱۳۸۶). «مروری بر زمینه‌های جامعه‌شناسی فناوری»، دوفصلنامه اقتصاد، برنامه‌ریزی و بودجه، ش ۱۰۵، ص ۸۵-۱۲۴.

واعظ طبسی، عباس (۱۳۹۴). یاران امام به روایت اسناد ساواک (۵۵)، آیت‌الله عباس واعظ‌طبسی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.